

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت سی ام ، سوره بقره

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

در ادامه آیات ابتدایی سوره بقره رسیدهیم به آیه ۱۵.

هدف منافقان از تمسخر مومنان

﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾

عرض کردیم، منافقین، خود را در جایگاه بالاتری نسبت
به مومنین می بینند. فکر می کنند که مومنین و
انقلابیون، سفیه هستند و بی راهه می روند و خودشان،
راه درست را می روند. همیشه انقلابیون را مسخره
می کنند و متهم می کنند به اینکه شما بی خرد و تُندرو
هستید. شما با این حرکت ها، جامعه را به عقب
برمی گردانید. این ما هستیم که داریم جامعه را اصلاح
می کنیم و به سمت پیشرفت و تعالی پیش می بریم.
دائماً ادعا می کنند که اگر ما باشیم و قدرت دست ما
باشد، جامعه را به سمت تعالی پیش می بریم. مشکلات
اقتصادی را درمان می کنیم و بحران ها را می توانیم

مدیریت کنیم. همیشه ادعا می‌کنند که ما می‌توانیم و جریان انقلابی نمی‌تواند. این حرف‌های منافقین برای چیست؟ برای اینکه نظر مردم را جلب بکنند، تا مردم به اینها رأی بدهند و در پست‌های حکومتی قرار بدهند. اینها مجبور و ناگزیرند که چنین ادعاهایی بکنند تا نظر مردم را جلب کنند. وقتی جریان مردم پشت سر اینها قرار بگیرد، می‌توانند با پیامبر خدا و با حاکمیت دینی بجنگند. البته با جنگ نرم، حاکمیت دینی را کنار بزنند و خودشان سردمدار حرکت مردم بشوند. و بعد جامعه را به سمت هدفی که خودشان می‌خواهند، پیش ببرند و نگذارند جامعه برود به سمت هدفی که خدا خواسته و پیامبر خدا مردم را به سوی آن پیش می‌برد. به هر حال اینها همیشه اهل ایمان و جریان انقلابی و مردم انقلابی را مسخره می‌کنند.

ترس از تمسخر، مانع از پیوستن به جریان انقلابی

متأسفانه برخی از مردم وقتی می‌بینند که جریان انقلابی، توسط اینها و رسانه‌هایشان مسخره می‌شوند، از ترس ملامت و مسخره شدن، می‌ترسند به جریان انقلابی بپیوندند. حداقل اینکه، علناً نمی‌توانند اعلام کنند که ما انقلابی هستیم. نمی‌توانند علناً از انقلابیون حمایت بکنند. منافقان یک جَوّی در جامعه ایجاد می‌کنند، که مردم عادی می‌ترسند به جریان انقلابی بپیوندند. می‌ترسند از اینکه متهم بشوند، به اُمْل بودن، بی‌خرد

بودن، احساسی بودن، تندرو بودن. از جریان انقلاب و دین حمایت نمی‌کنند. چرا؟ چون اگر حمایت کنند، انگشتِ اتهامِ منافقین و رسانه‌هایشان، به سمت اینها نشانه می‌رود که شما تندرو و امل هستید. امروز هم همینطور است. متأسفانه اگر کسی در جامعه دینی ما بخواهد مثلاً از حجاب دفاع بکند، سریع انگشتِ اتهام اینها می‌رود به سمتش که تو تندرو هستی و اسلام این را نگفته. تو با سلیقه خودت اسلام را خشن نشان می‌دهی. ما قبول داریم اسلام هرگز خشن نیست و رفتار خشن را قبول ندارد، اما آنها این تهمت‌ها را می‌زنند.

صحنه‌سازی، برای تخریب چهره جریان انقلابی

من این را می‌پذیرم که یک عده از منافقین، کاری می‌کنند که مردم جامعه به عینه ببینند که حرف منافقین درست است. بعضی از افراد را مامور می‌کنند، پول به آنها می‌دهند، می‌گویند بیا در جلوی دوربین‌های ما، در جایگاه یک مومن، یک حرکت زشتی انجام بده تا ما این را به مردم نشان بدهیم و بگوییم ببینید اینها انقلابیون تندرو هستند. ببینید ما می‌گوییم اینها سفیه و بی‌خرد هستند و از روی احساسات حرف می‌زنند، از روی احساسات تصمیم می‌گیرند. مثل جریانی که در رسانه‌ها پخش شد و این‌همه باز پخش شد، یه کسی در یک مغازه‌ای یک سطل ماست ریخت روی سر یک

خانمی که بی حجاب بود. آیا فکر می کنید این یک جریان عادی بود؟ یعنی واقعا کسی که سطل ماست را ریخت، یک انسان انقلابی بود؟ نه، مزدورانی هستند که پول گرفته اند تا از اینجور کارها، در مقابل دوربین ها انجام بدهند. مطمئن باشید این یک صحنه از پیش طراحی شده است تا نشان بدهند که حرف های آنها درست است. یعنی جریان انقلابی، یک جریان تند و احساسی است. کارهای احمقانه انجام می دهند و برخوردشان خشمگینانه است.

هدف جریان نفاق از نفوذ

جریان نفاقی که در داخل نفوذ کرده، تا مناصب حکومتی را بگیرد و عرصه را بر نظام جمهوری اسلامی، رهبری و حاکمیت دینی تنگ بکند. حاکمیت دینی که می خواهد جامعه را به سمت تعالی و فرهنگ اسلامی پیش ببرد تا همه، به حاکمیت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم نزدیک شوند. جریان نفاق نمی خواهد این طوری بشود. جریان نفاق می خواهد ما را به سمت فرهنگ غربی ببرد. همان چیزی که آمال و آرزوی خودشان است. دزد دلشان به فرهنگ غرب عشق می ورزند. اما چکار کنند تا در جامعه، این فرهنگ شکل بگیرد؟ باید یک چنین روش هایی، علیه جریان انقلاب داشته باشند.

جریان فرهنگی غرب، چه سودی برای منافقان دارد؟

خب این جریان فرهنگی غرب، چه سودی برای آنها دارد؟ اولاً قبلاً آمال آنهاست. چون در بین اینها، انسان‌هایی هستند که اهل ایمان نیستند. کسانی که اهل ایمان نباشند، فرهنگ دینی را بر نمی‌تابند. فرهنگ غربی، فرهنگ تساهل و تسامح، فرهنگ بی‌بند و باری را دوست دارند. این میل درونی آنهاست. برای اینکه جریان انقلاب را به سمت فرهنگ غرب پیش ببرند، مُزد می‌گیرند. اینها وابسته به تشکیلات و جریانی هستند که از خارج اینها را هدایت می‌کند. به چه سمتی هدایت می‌کند؟ به سمت اینکه دوباره این حکومت دینی به عقب برگردد. به سمت حاکمیت استکبار جهانی برگردد. زمانی امریکا در ایران همه‌کاره بود. یک سفیر امریکا در ایران، پادشاهی می‌کرد. پادشاه ایران بدون اجازه سفیر امریکا، در ایران آب نمی‌خورد. اینها همان حاکمیت را می‌خواهند. چه زمانی این حاکمیت دوباره بر می‌گردد؟ وقتی توسط نفوذی‌هایشان، فرهنگ جامعه، به سمت فرهنگ غرب برود. اگر فرهنگ جامعه به سمت غرب رفت، آنوقت چه کسانی در این جامعه رای خواهند آورد؟ انسان‌های غربگرا. وقتی انسان‌های غربگرا دوباره بر جامعه حکومت بکنند و در مسند حکومت بنشینند، آنوقت چه کسی حکومت می‌کند؟ غرب. دوباره جامعه، به دست غرب می‌افتد. منافقین از درون، میل به

فرهنگ غربی و بی‌بندوباری و تسامح و تساهل دارند. ضمناً مأموریت دارند تا مردم را به سمت این فرهنگ سوق بدهند، تا مردم، زیر بار حکومت انقلابیون نروند. عرصه بر انقلابیون تنگ شود. انقلابیون کنار زده شوند و اینها وارد عرصه‌های حکومتی بشوند، تا سه منفعت کسب کنند؛ ۱. از قدرت برخوردار شوند، ۲. منافع مالی که از درون به دست می‌آورند، به دست‌شان برسد، ۳. منابع مالی بیرونی به دست‌شان برسد.

هدف منافقان از زدن انگشت اتهام به انقلابیون

جریان نفاق، جریانی است که قرآن می‌فرماید: ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ﴾^۱، در ظاهر استهزاء و مسخره می‌کند. انواع و اقسام فیلم‌ها را می‌سازند تا حجاب و فرهنگ دینی را مسخره بکنند، مومنین و انقلابیون را تندرو نشان بدهند. در سریال‌هایی که چندین سال در کشور، با پول بیت‌المال در صدا و سیمای خودمان ساخته می‌شود، جریان انقلابی را چگونه نشان می‌دهد؟ جریان انقلابی را طوری نشان می‌دهد که اینها کارهای سفیهانه انجام می‌دهند. کارهایی انجام می‌دهند که مردم می‌خندند. یک رفتار غیر بالغانه‌ای از اینها به نمایش می‌گذارند که مردم باور کنند که جریان انقلاب، این است. پس ما هم اگر از جریان انقلاب دفاع بکنیم، متهم می‌شویم به

۱. سوره بقره؛ آیه ۱۵

بی‌عقلی. الان یکی از آهرم‌های قدرت برای جریان نفاق، این است که انسان انقلابی را به تندرو بودن متهم می‌کنند. متهم می‌کنند به اینکه اینها اهل خردورزی نیستند. بی‌عقل و بی‌سواد هستند. ما زبان دنیا را بلدیم اینها بلد نیستند، ما متمدن هستیم. ما می‌خواهیم کشور را به پیشرفت برسانیم. اینها می‌خواهند کشور را به عقب برگردانند. اینها می‌خواهند مردم را به عهد قجر برگردانند، از اینگونه حرف‌ها زیاد می‌زنند و متاسفانه در مردم هم اثر کرده. مردم می‌ترسند از اینکه یک وقتی همراه با جریان انقلابی باشند. یک حرکت خطرناک و پیچیده‌ای که اینها امروز انجام می‌دهند همین است که با انگشتِ اتهام، با در موضعِ مسخره شدن قرار دادنِ جریانِ انقلابی، عرصه را بر انقلابیون تنگ کنند. تا انقلابیون از پست‌های حکومتی کنار بروند و اینها خودشان جای آنها را بگیرند.

منافقان و هدایت عامه خداوند

این آیه می‌فرماید: ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ﴾ در نگاه خدا، کسی که سزاوارِ مسخره شدن است، خودشان هستند که با جریان انقلابی ستیز می‌کنند و مخفیانه و به صورت نرم افزاری به جنگ خدا می‌آیند. در نگاه خدا و انسان‌های عاقل و اهل ایمان، اینها همان بچه‌ای هستند که طیبِ حاذق و مهربان را مسخره می‌کند. البته خدا اینجا اشاره دارد به اینکه

﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ﴾. اینها خودشان را در موضعی قرار دادند که در نگاه خدا، سزاوار مسخره شدن هستند. اما خدای متعال، اینجا جریان هدایت عامه‌اش را به رخ می‌کشد ﴿وَيَمُدُّهُمْ﴾ یعنی ما نمی‌آییم در ظاهر کاری بکنیم که این منافقین، رسوا بشوند. نه، ما اجازه می‌دهیم که اینها از همه ترفندهایشان علیه جریان انقلاب استفاده بکنند. اما این تکلیف را به مردم می‌دهیم و این امر را به مردم واگذار می‌کنیم که اینها را بشناسند. ما اجازه می‌دهیم که اینها از همه امکانات استفاده کنند ﴿وَيَمُدُّهُمْ﴾ یعنی همین. ما اجازه می‌دهیم از همه امکانات استفاده کنند. ﴿وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ﴾ ما وقتی به آنها اجازه بدهیم از همه امکانات استفاده کنند، طغیان آنها بیشتر می‌شود. اینها به سمت طغیان پیشرفت می‌کنند. روز به روز گمراه‌تر می‌شوند. اما بالاخره آخر کارشان چیست؟ ﴿يَعْمَهُونَ﴾ آخر کارشان سرگردانی است. این اشاره دارد به اینکه درست است ما امکانات را در اختیار اینها می‌گذاریم با نظام تکوینی‌مان جلوی اینها را نمی‌گیریم. نظام تکوینی چیست؟ اینکه خدای متعال به زور بخواهد با قدرت الهیه خودش، به قدرت تکوینی خودش، جلوی جریان نفاق را بگیرد. مثلاً خدای متعال، منافقین را رسوا کند تا همه مردم ببینند. یا مثلاً آیه نازل بشود و خدای متعال اسم اینها را علناً در آن آیه ببرد. خدا بگوید اینها

منافقاند. در زمان پیامبر ﷺ این افراد بودند. قرآن می‌فرماید که اینها همیشه می‌ترسیدند که خدا یک آیه‌ای در شأن اینها نازل کند و علناً بگوید اینها منافقاند. در این صورت اینها رسوا می‌شوند.

شرایط جامعه رشد یافته

خب این یکی از کارهایی است که خدا می‌تواند بکند. اما این کار را نمی‌کند. چرا؟ چون معما چو حل گشت آسان شود. اگر خدا خودش دست به چنین حرکتی بزند، چه می‌شود؟ عرصه برای رشد مردم از بین می‌رود. اینها باید همینطوری به حرکت خزنده‌شان ادامه بدهند. خدا هم جلو حرکت خزنده‌شان را نگیرد تا عرصه برای رشد مردم باز باشد. باید این حرکت معماگونه اینها همیشه در جامعه وجود داشته باشد. باید مردم با عقل و بصیرت خودشان، پیدا بکنند که منافق و مومن و انقلابی و غیرانقلابی کیست؟ اگر خدا یا رهبر نظام یا پیغمبر بخواهد یکی از کارهای زیر را انجام دهد، عرصه برای رشد بشر از بین می‌رود. این کارها مثلاً انگشت بگذارد و بگوید اینها منافقاند یا خدا کاری بکند که اینها صبح از جایشان بلند نشوند و بمیرند، یا خدا صاعقه‌ای نازل کند که اینها بوسیله عذاب الهی که عذاب بودنش مشهود باشد، نابود بکند. خدا هیچوقت این کار را نمی‌کند. برای اینکه عرصه برای رشد بشر از بین می‌رود. این خودش یک عرصه‌ای است برای رشد انسان. انسان

با وجود منافقین و حرکت خزنده‌شان و اینکه ظاهرسازی می‌کنند، باید بفهمد جریان نفاق چیست. باید نفاق پنهان را تشخیص بدهد. اگر جریان نفاق پنهان را کسی تشخیص داد این به بلوغ و رشد رسیده. جامعه به رشد رسیده جامعه‌ای که این ویژگی‌ها را داشته باشد؛ ۱. منافقین را تشخیص بدهد ۲. اینها را پس بزند ۳. مومنین و انقلابیون واقعی را سر کار بیاورد و پرچمدار حرکت خودش بکند. لذا خدای متعال همیشه بعد از اینکه یک حرکت انقلابی ایجاد می‌شود، عرصه را در اختیار منافقین قرار می‌دهد. مثل حرکت پیامبر خدا و انقلاب خودمان. یعنی چه عرصه را در اختیار منافقین قرار می‌دهد؟ یعنی اگر اینها بخواهند نفوذ بکنند، جلوی اینها را نمی‌گیرد. خدای متعال با منافقان، کارهای زیر را انجام نمی‌دهد؛ ۱. اینها را به مرضی دچار بکند که یک دفعه مثلاً صبح از جایشان بلند نشوند ۲. با صاعقه‌ای اینها نابود بشوند ۳. خدا یک برچسبی بر پیشانی بزند صبح که پاشدند ببینند روی پیشانی‌شان نوشته اینها منافقین هستند. خدا یا پیامبر خدا می‌تواند انگشت بگذارد روی اینها بگوید اینها منافقین هستند و اینها را به مردم نشان بدهد تا رسوا بشوند. اما پیامبر خدا این کار را نمی‌کند. چرا؟ چون عرصه رشد مردم را از بین می‌برد. این مثل امتحان گرفتن معلم از دانش آموز است. امتحان، یک عرصه رشدی است برای دانش آموز،

باید دانش آموز خودش بنشیند فکر کند گزینه یک یا دو یا سه یا چهار. کدام صحیح است؟ باید بتواند گزینه صحیح را در بین چهارگزینه پیدا بکند. این باعث رشدش می‌شود. حالا اگر معلم خودش بالای سر دانش آموز بنشیند گزینه‌های صحیح را بگوید خب سوال اول را بزن الف، سوال دوم را بزن ب، سوال سوم را بزن جیم. اگر بخواهد همینطوری بگوید، این بچه چیزی نمی‌فهمد. در واقع این معلم ظلم کرده و عرصه رشد را از او گرفته. خدا هم این کار را نمی‌کند. و اینکه می‌فرماید: ﴿وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ﴾ یعنی همین. یعنی امکانات مادی عالم در اختیارشان قرار خواهد گرفت. اینگونه نیست که ما دست اینها را ببندیم تا از امکانات عالم بر علیه جبهه انقلاب، استفاده نکنند. هرچند بعضی مردم متوقع‌اند و دوست دارند و می‌گویند خدا چرا این منافقین را رسوا نمی‌کند؟ خدا می‌گوید، من نباید رسوا بکنم، تو باید منافقین را بشناسی. من اگر رسوا کنم چه می‌شود؟ معما چو حل گشت آسان شود. ولی من به تو می‌گویم که جریان نفاق چه علائمی دارد با این علائمی که من می‌گویم تو باید جریان نفاق را بشناسی و تشخیص بدهی و به اینها رای ندهی. نگذار اینها در عرصه حاکمیت قرار بگیرند تا فرهنگ غرب را در کشور نهادینه بکنند. این تکلیف توست که اینها را کنار بزنی. هرچه ما به خدا بگوییم خدایا تو چرا جریان منافقین را

رسوا نمی‌کنی؟ خدایا رسوایشان کن. خدا می‌گوید، رسوا شدن اینها به دست توست و تو باید اینها را رسوا کنی. تو باید اینها را بشناسی و از عرصه حاکمیت، از مناصب حکومتی تو باید اینها را کنار بزنی و رای به آنها ندهی. حواست باشد، اینها ادعای اسلام می‌کنند، آیه قرآن می‌خوانند، نهج البلاغه می‌خوانند. تفکر را ببین، ظاهر دلسوزانه‌شان را نبین. اینها بلد هستند چه کار کنند. تو مواظب باش. تو بدان که اینها پشت صحنه‌شان با چه کسانی در ارتباط‌اند. تو ببین که اینها چه قصدی دارند، چه هدفی دارند. ﴿وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ این آیه خیلی نیاز به توضیح بیشتر دارد، ولی ما به همین مقدار بسنده و اکتفا می‌کنیم.

خدای متعال، عاقبت این جریان را در آیات بعد برای ما بیان می‌کند و در ضمن مثال‌هایی، ماهیت پلید اینها را به ما بیشتر نشان می‌دهد.

والسلام علیکم ورحمت اللہ و برکاته.